

## اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران

سیدحسین میرفخرایی<sup>۱</sup>

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت ۹۴/۱۱/۴ - تاریخ تصویب ۹۴/۱۲/۲۵)

### چکیده

منطق رقابت‌های راهبردی پس از جنگ سرد جز در مناطق ویژه‌ای از جهان، دیگر از ماهیت نظامی پیروی نمی‌کند. رقابت‌های ژئوپلیتیک با افول جایگاه تقابلات نظامی، ماهیتی اقتصادی - تجاری به‌خود گرفته‌اند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا با گذراندن چندساله فرایندی که در اروپا چندین دهه به طول انجامید، ابزاری اقتصادی در خدمت اهداف رقابت‌های ژئوپلیتیک مهیا کرده است. منطق تعارض بر فراز کنش‌های اقتصادی این اتحادیه سیطره دارد و اهداف تجاری اعضای این اتحادیه را در تقابل با اتحادیه‌های دیگر و سایر واحدهای سیاسی پیگیری می‌کند. این پژوهش تلاش می‌کند تا جایگاه رقابت‌های ایران در پهنه منطقه اوراسیا را با گزاره‌های اقتصادی بیان کند. بنابر نظریه ژئواکونومی، پس از تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایران الزامات اقتصادی جدیدی پیش روی دارد که بدون توجه به آن‌ها توان رقابت‌های ژئوپلیتیک خود را در ماهیت نوین اقتصادی از دست خواهد داد. پرسش اصلی این پژوهش این است که الزامات ژئواکونومیک ایران پس از تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا چیست؟

---

1 .Email: for501520@yahoo.com

پاسخ این پرسش را با تعیین جهت‌گیری‌های اقتصادی و تجاری ایران به‌شکلی که منافع کشور بیشینه شود ارائه می‌کنیم و به ذکر ابزارهای ژئواکونومیک ایران در اوراسیا می‌پردازیم. فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک جهت‌گیری ژئوپلیتیک در چارچوب رقابت‌های اقتصادی است و برای ایران نیز در منطقه مجموعه‌ای از الزامات ژئواکونومیک به‌همراه دارد.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اوراسیا، ایران، تجارت، ژئواکونومی، ژئوپلیتیک، یکپارچگی.

Archive of SID

## مقدمه

رقابت ملت‌ها پس از جنگ سرد در قالب‌های اقتصادی و با ابزارهای بیشتر صنعتی و تجاری، فاز نوینی برای تحلیل‌های راهبردی و ژئوپلیتیک رقم زد. ژئواکونومی واژه به‌نسبت نوینی است که برای تبیین ایده‌های مختلف استفاده شده است. ایده‌هایی با دامنه‌ای گسترده از مخاطرات مدیریتی در مورد جایگاه بخشی<sup>۱</sup> رقابتی به اقتصاد دولت‌ها گرفته تا مفاهیم راهبردی پایه‌ای در دوران پس از جنگ سرد که در آن‌ها رقابت‌های اقتصادی سبب تأثیر قرارگرفتن تقابل‌های نظامی در روابط بین دولتی شده است (Sparke, 2007:3).

فرایند تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا که ریشه در یک ایده دهه ۱۹۹۰ دارد، سرانجام در سال ۲۰۱۵ به نتیجه رسید و فصل جدیدی از رقابت‌های کنشگران قدرتمندتر اوراسیایی با واحدها و مناطق دیگر را پدید آورد. در موفق‌ترین زمان از فرایند تشکیل این اتحادیه، اعضا توافق کرده بودند تا نظام تعرفه‌ای یکسانی نسبت به همه کشورهای غیر عضو به‌کار گیرند (Clingendael, 2015:4). در همین زمان به‌شکل رسمی اتحادیه گمرکی اوراسیا توانست شکل بگیرد و سرانجام فضای همکاری منطقه‌ای را برای تشکیل موفق اتحادیه اقتصادی اوراسیا در زمان مقرر فراهم سازد. البته نباید فراموش کرد که سه کشور اصلی تشکیل‌دهنده اتحادیه یعنی روسیه، قزاقستان و روسیه سفید باوجود اتحادی که دارند، هریک اهداف خاص خود را نیز دنبال می‌کنند. بی‌تردید تصمیمات این کشورها با تولید و انتقال ذخایر انرژی پیوند دارند. تشکیل اتحادیه اقتصادی در این منطقه به‌عنوان یکی از نقاط مهم چرخه انرژی دنیا، بر اهمیت این مسئله می‌افزاید. در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک که اقتصاد نقش برجسته‌تری از هر زمان دیگر یافته و ژئواکونومی انرژی فصل نوینی در روابط بین‌المللی گشوده است (بروجردی، انصاری زاده، کرمی، ۱۳۹۰:۸)، کشورهای نفت‌خیز

## 1. Positioning

خاورمیانه مانند ایران که ارتباطات پیچیده‌ای با کشورهای اوراسیا دارند؛ برای تحلیل کنش‌های اقتصادی این اتحادیه الزامات بیشتری احساس می‌کنند.

بحران اوکراین و تحریم‌های اقتصادی دوسویه بعد از آن که بنابر تحلیل برخی ناظران به یک بازسنجی<sup>۱</sup> سیاسی بین کشورهای اوراسیا در مورد روابط نزدیک‌تر با مسکو منجر شد (Dobbs, 2015: 2). ابعاد بین‌المللی و فرامنطقه‌ای اتحادیه و توجه بازیگران مهم نسبت به سرنوشت آن را نیز تقویت کرده است. به همین دلیل، در پی تشکیل این اتحادیه پویش‌های ژئوپلیتیک در این بخش بالا رفته‌اند و از آن‌روی که ژئوپلیتیک را نمی‌توان از ژئواکونومی جدا دانست (یزدانی، توپسرکانی، جعفری، ۱۳۸۸: ۶). این پویش‌ها و روابط راهبردی مبتنی بر آن‌ها با مدل همکاری‌های اقتصادی و تجاری اعضای اتحادیه پیوندی اساسی پیدا کرده‌اند. همکاری‌های بین دولتی در اتحادیه جدید اهمیت بالاتری پیدا خواهند کرد، اگر در نظر بگیریم که متحدین و کنشگران بیشتری همچون تاجیکستان، قرقیزستان و ارمنستان به آن وارد شده‌اند و حتی موقعیت چین و هم‌زمان واکنش اروپا در این منطقه و مسیر جاده یا جاده‌های ابریشم آن دخیل خواهد بود (Dobbs, 2015: 6 & 7).

از آن‌روی که منطقه اوراسیا همواره در قلب تحولات ژئوپلیتیک بوده است، توجه بازیگران مهم این منطقه به‌ویژه روس‌ها به رقابت‌های بین‌منطقه‌ای سبب شده است تا سایه سنگین تقابلات سنتی بر مدل همکاری‌ها و اتحادهای اقتصادی - تجاری این مجموعه ادامه داشته باشد؛ بنابراین در این پژوهش برای تبیین مسیر پویش‌های اقتصادی و صنعتی - تجاری اتحادیه اوراسیا، چارچوب نظری ژئواکونومی به‌عنوان زیرشاخه‌ای از نظریه عام ژئوپلیتیک مورد استفاده قرار گرفته است. در یک نگاه کلان به این چارچوب نظری، نظریه ژئواکونومی پس از جنگ سرد، جهانی را پیش‌بینی کرده

## 1. Reassessment

است که در آن، دولت‌ها به‌عنوان نهادهای دارای قلمرو ارضی<sup>۱</sup> نه از راه تعارضات ژئوپلیتیک بلکه از مسیر تعارضات ژئوآکونومیک به رقابت ادامه خواهند داد (Tuathail, Dalby and Routledge, 2003: 7). این پیش‌بینی اکنون در اوراسیا به‌وقوع پیوسته و در حال توسعه است. اکنون نیز باوجود رویدادهایی که در قالب ماهیتی اقتصادی به زایش تحولات استراتژیک در اوراسیا منجر شده‌اند، چارچوب نظری ژئوآکونومی می‌تواند به توصیف این پدیده‌ها یاری رساند.

به‌دلیل آنکه اکنون اقتصاد برای قدرت انگیزه رقابت شده است و به‌دلیل وضعیت رقابتی اقتصاد در روابط بین ایران و کشورهای پیرامونش، نیاز به تدوین قرائتی اقتصادی از ژئوپلیتیک منطقه جدید اوراسیا برای تعریف قواعد رفتارهای راهبردی ایران به‌شکل ویژه‌ای احساس می‌شود. در نتیجه، پژوهش پیرامون الزامات ژئوآکونومیک ایران پس از تشکیل اتحادیه اقتصادی در کنار مرزهای شمالی کشور، بخشی ضروری از این نوشتار است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به‌دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که پس از تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا، الزامات ژئوآکونومیک یا جغرافیای اقتصادی ایران در این منطقه چیست؟ فرضیه پژوهش این است که تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه، نه یک فعالیت اقتصادی در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای بلکه یک کنش ژئوپلیتیک در قالب رقابت‌های اقتصادی است که این فرایند برای ایران مجموعه‌ای از الزامات ژئوآکونومیک به همراه داشته است و لازم است تا در سیاست خارجی کشور مورد توجه قرار بگیرد.

### ۱. چارچوب نظری

در مطالعات پسا جنگ سرد، حقیقت ژئواستراتژی بازنگری شد. امروزه در روابط راهبردی، همان‌گونه که نسبت و ارتباط<sup>۲</sup> تهدیدات نظامی و اتحادهای نظامی کاهش

1. Territorial entities
2. Relevance

می‌یابد، اولویت‌ها و چگونگی‌های<sup>۱</sup> ژئواکونومیک در کنش‌های دولتی غلبه پیدا می‌کنند (Tuathail, Dalby and Routledge, 2003: 127). ژئواکونومی ابزاری برای تحلیل راهبردهای اقتصادی، به‌ویژه در ابعاد تجاری است که بر پایه آن تصمیمات دولت‌ها براساس سیاست شکل می‌گیرد تا آن‌ها بتوانند به هدف حفاظت از اقتصاد خود یا بخش‌های به‌خوبی تعریف‌شده‌ای از اقتصاد دست یابند. رسیدن به این هدف به بنگاه‌های ملی کمک می‌کند تا به فناوری دست یابند یا بخش‌های خاصی از بازار جهانی را به‌دست آورند که مربوط به تولید یا تجاری‌سازی یک محصول است. مالکیت چنین سهمی یا توان کنترل آن، به یک واحد - دولت یا بنگاه ملی - عنصری از قدرت<sup>۲</sup> یا تأثیر بین‌المللی<sup>۳</sup> اعطا کرده است و کمک می‌کند تا اقتصاد و ظرفیت اجتماعی خود را استحکام بخشد (Chan, 2011:5).

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ادوارد لوتواک<sup>۴</sup> در عین مخالفت با استدلال و استنتاج سخن فوکویاما مبنی بر برتری اقتصاد در نظم نوین جهان، یک سال پس از انتشار نظریه او وارد بحثی در مجله «منافع ملی»<sup>۵</sup> شد که بیان می‌داشت، فروکش کردن جنگ سرد در خود نشان از جابه‌جایی سیاست جهانی از ژئوپلیتیک به مباحث ژئواکونومیک دارد. او ادعا کرد، اکنون (دوران پس از جنگ سرد) همه بر این مسئله توافق دارند که روش‌های تجارت<sup>۶</sup> در حال جایگزینی با روش‌های نظامی در سیاست بین‌الملل هستند (Tuathail, Dalby and Routledge, 2003: 107). در ادامه مباحثی از این نظریه بخش‌بندی می‌شود:

1. Modalities
2. Element of power
3. International influence
4. Edward Luttwak
5. The National Interest
6. Methods of commerce

### ۱-۱. منطق اقدام در نظریه ژئواکونومی

ژئواکونومی، طبیعت هموردی دولتی<sup>۱</sup> پس از جنگ سرد را توصیف می‌کند. درحالی که در دوران پیشین برتری با مفاهیم نظامی و راهبردی - یا همان ژئوپلیتیک - بود، در عصر کنونی ژئواکونومی شکل متفاوتی از رقابت را وصف می‌کند که در آن برتری دولتی با پیشروی اقتصادی سنجیده می‌شود. لوتواک که در دهه هشتاد به‌عنوان یک کارشناس امنیتی شناخته می‌شد، خود را در دهه نود به‌عنوان کارشناس امنیت اقتصادی معرفی کرد. او بنابر این دیدگاه بیان داشت که تهدیدات خارجی در مدل جهانی ایالات متحده تغییر یافته و به‌جای اتحاد شوروی، قدرتی اقتصادی مانند ژاپن را باید در مقابل خود دید. در حقیقت نگاه نظریه ژئواکونومی در حالتی واقع‌گرا و دولت‌محور باقی ماند. در واقع اصل مراجع رقابت تغییر نکرده است؛ بلکه تنها روش‌های رقابت دولتی تغییر کرده است (Jones, 2001:597). پس منطق اقدام همان منطق تعارض با ابزارهای جدید است.

### ۱ - ۲. منطق تناسب در نظریه ژئواکونومی

بنابر اصل تناسب سیاست‌های خارجی یک واحد با اهداف آن، رعایت منطق تناسب هنگام تعریف راهبردهای مختلف ضروری است. از آنجا که منطق اقدام در عصر ژئواکونومی منطقی تعارض‌گونه است، بنابر نظریه لوتواک به‌نظر نمی‌رسد که سیاست بین‌الملل بخواهد جای خود را به تجارت بین‌الملل ببخشد و تعاملات آزاد تجاری<sup>۲</sup> فقط به‌واسطه منطق غیر قلمروخواهانه<sup>۳</sup> خودش اداره شود (Luttwak, 1990:3). لوتواک نتیجه می‌گیرد که اگر تجارت آزاد جهانی می‌خواهد به‌صورت موفقیت‌آمیزی اجرا شود، باید منطق سیاست بین‌الملل را کنار نهاده و منطق خاص خود

- 
1. State rivalry
  2. Free interaction of commerce
  3. Nonterritorial logic

را به دور از ورود به قلمروی منطق تعارض که مبتنی بر سیاست جهانی است، به کار گیرد. حال که چنین موضوعی دور از ذهن است، باید تناسب منطق تعارض را در مدل روابط تجاری بین کشورها مدنظر قرار داد.

### ۱ - ۳. اهداف و ابزارهای ژئواکونومی

هنوز دانشجویان روابط بین الملل درس هایی را می گذرانند که برگه های کلاسیک سیاست واقع گرایانه<sup>۱</sup> را با ساختار محاسباتی برای تخمین امکان وقوع جنگ<sup>۲</sup> تعلیم می دهد. شایان توجه اینکه نخبگان مسلط در کشورهایی که بانام قدرت های بزرگ می شناسیم، دهه ها است به نگاه خود در مورد جنگ به عنوان راه حل عملی برای تقابلات نظامی بین این قدرت ها پایان بخشیده اند. تغییر این نگاه بدان معنا است که این عقیده نوین سبب بی ارزش شدن قطعی<sup>۳</sup> قدرت نظامی به عنوان یک ابزار حکمرانی در روابط مستقیم میان بزرگ ترین قدرت ها شده است (Luttwak, 1990:4). بر همین اساس و با توجه به منطق تعارض، برخلاف عصر مرکانتلیسم در عصر نوین ژئواکونومی نه فقط علت ها بلکه ابزارهای تعارض<sup>۴</sup> نیز باید اقتصادی باشند. اگر ستیزهای تجاری منتهی به مناقشات سیاسی می شوند، همان گونه که امروز احتمال این رویداد با وجود روی به کاهش نهادن عوامل ژئوپلیتیک بیشتر می شود، این مناقشات سیاسی باید به وسیله سلاح هایی از جنس تجارت<sup>۵</sup> رخ دهند. سلاح های تجاری می توانند در شکل کنش هایی از این جنس باشند: محدودیت کم و بیش تبدیل شده<sup>۶</sup> برای واردات، اختصاص کم و بیش پنهان یارانه به صادرات، سرمایه گذاری در پروژه های مربوط به فناوری رقابتی، حمایت از شکل های منتخب تحصیلات، تهیه و فراهم ساختن زیرساخت های رقابتی و اموری مانند

1. Realpolitik
2. Feasibility of war
3. Decisive devaluation
4. Instruments of conflict
5. Weapons of commerce
6. Disguised



این‌ها (Tuathail, Dalby and Routledge, 2003: 128). این موارد همه در اتحادیه اوراسیا رخ داده‌اند.

## ۲. اتحادیه اقتصادی اوراسیا

### ۲ - ۱. ریشه‌های پیدایش اتحادیه اقتصادی اوراسیا

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، یکپارچگی اوراسیایی با هدف ساخت چارچوب جدیدی برای همکاری میان کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی بنیان نهاده شد. تلاش‌های متعددی در طول دو دهه گذشته به وسیله دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع<sup>۱</sup> انجام شده است تا یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تری پدید آید. برای بسیاری از کشورها، محرکی که همراه تأسیس دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع بود، باهدف رسیدن به شکلی از یکپارچگی مجدد<sup>۲</sup> عرضه نشده بود؛ اما تقریباً وسیله‌ای بود برای تثبیت اوضاع برای اعضای پیشین اتحاد شوروی تا هرکس بتواند بنا بر روش پیشین (دوران قبل از فروپاشی) به راه خود ادامه دهد (Ozdemir, 2015:1).

مفهوم و نهادسازی مربوط به یکپارچگی اقتصادی اوراسیایی<sup>۳</sup> در طول دو دهه گذشته ظهور پیدا کرده است (Courtney, 2015:1). ویژگی تاریخ مستقل این جمهوری‌ها نه فقط شامل توافق‌نامه‌های یکپارچگی مختلف از قبیل دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع (CIS, 1991)، مجمع اقتصادی آسیای مرکزی<sup>۴</sup> (1998)، جامعه اقتصادی اوراسیایی (EurAsEC, 2000) و یا سازمان همکاری‌های آسیای مرکزی (2002) می‌شود بلکه شامل امضای توافق‌نامه‌هایی در یکپارچگی امنیت و صلح نیز هست که نهادهایی مانند کنفرانس معیارهای بنای تعامل و اعتماد در آسیا (CICA) یا

1. Commonwealth of independent states (CIS)
2. Reintegration
3. Eurasian economic integration
4. Central Asian Economic Community

سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی (CSTO) نتیجه آن هستند ( Mukhamediyev and Khitakhunov, 2015:1).

رژیم تجاری کشورهای مستقل مشترک‌المنافع<sup>۱</sup> به صورت ریشه‌ای از توافقاتی تجاری دوجانبه‌ای تشکیل شده است که به صورت دوره‌ای بامعافیت‌هایی تکمیل و همراه می‌شود. در ضمن این توافقاتی دوجانبه، توافق‌نامه‌های چندجانبه نیز درون چارچوب سی‌ای اس باهدف هماهنگ‌سازی امور خاصی برقرار شدند. مسائلی مانند یکسان‌سازی روندهای گمرکی، قوانینی برای تعیین مبدأ کالاها و مسائلی از این دست توسط توافق‌نامه‌های چندجانبه هماهنگ می‌شدند. به سبب لزوم تصویب این توافقاتی چندجانبه تجاری توسط پارلمان ملی کشورها، نوعی تضمین اضافی<sup>۲</sup> برای دولت‌هایی حاصل می‌شد که در مورد یکپارچگی عمیق‌تر جانب احتیاط را نگاه می‌داشتند. در نتیجه این وضعیت، تعهدات اعضای سی‌ای‌ای تحت این توافقاتی در حد بسیار محدودی قرار داشت (Eastern Europe Studies Centre, 2012:1). با وجود این ماهیت در رژیم تجاری سی‌ای‌اس، عوامل بسیاری مشخص ساختند که سی‌ای‌اس توان تبدیل به یک موجودیت اقتصادی با درجه یکپارچگی بالا را ندارد که این واحد اقتصادی البته باید شامل عناصر فراملیت‌گرایی<sup>۳</sup> نیز باشد. همین کاستی سبب شد تا فرصت سی‌ای‌اس برای تشکیل یک اتحادیه سیاسی در چارچوب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نیز از دست برود (Eastern Europe Studies Centre, 2012:5).

با توجه به سوابق متعدد در ایجاد فضای یکپارچه‌گرایی تا تلاش‌های فراوان باهدف تشکیل اتحادها در منطقه اوراسیا، باید به پیشنهادی که رئیس‌جمهور قزاقستان، نور سلطان نظربایف در سال ۱۹۹۴ درمورد تشکیل یک بلوک تجاری منطقه‌ای ارائه کرد به‌عنوان رخدادی ریشه‌ای در تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا بنگریم (Courtney, 2015: 1).

1. CIS trade regime
2. Additional safeguard
3. Supranationalism

پیشنهاد نظریات که اساس تشکیل اتحاد اقتصادی در منطقه اتحاد شوروی محسوب می‌شود، توسط ولادیمیر پوتین هم به شکل پیوسته دنبال شد و با اقبال و پیگیری دو عضو دیگر نیز همراه شد (Jones, 2014:1). هرچند روسیه سفید، قزاقستان و روسیه در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نیز گاهی همراه با سایر دولت‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی تعدادی معاهده برای ارتقای یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای امضا کردند؛ اما تنها نهاد مؤثر در این زمینه اتحادیه گمرکی<sup>۱</sup> بین همان سه کشور اصلی هست که در سال ۲۰۱۰ شروع به کار کرد (Courtney, 2015: 2).

اتحادیه گمرکی<sup>۲</sup> روسیه، روسیه سفید و قزاقستان برخلاف توافقاتی تجاری آزاد پیشین بود که در گستره سی‌ای‌اس ایجاد شدند. این سی‌یو جدید از نظر کیفی<sup>۳</sup> اساساً با گونه‌های قبلی خود متفاوت و از سطح یکپارچگی عمیق‌تری برخوردار بود. پس از گذشت دو سال در سال ۲۰۱۲ این اتحادیه وارد مرحله دوم یکپارچگی خود شد. این مرحله ثانوی عبارت بود از فضای اقتصادی مشترک<sup>۴</sup> که سکویی برای رسیدن به مرحله سوم یکپارچگی به شمار می‌رفت. هدف نهایی از این یکپارچگی، تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اجرایی شدن آن در سال ۲۰۱۵ بود. فضای تحلیل نظری نشان می‌داد این نظام یکپارچگی سه مرحله‌ای در پی تکرار دورنمای کلاسیک مراحل ادغام است: از سی‌یو به بازار مشترک<sup>۵</sup> - که بر پایه آزادی‌های چهارگانه عمل می‌کند - و سپس منجر به یکپارچه‌ترین اتحادیه پولی و اقتصادی خواهد شد. نباید از نظر دور داشت که در حقیقت این مدل نظری کلاسیک در اروپا فرایندی چهل ساله را برای تشکیل اتحادیه اروپایی طی کرد؛ اما معماران اتحادیه اقتصادی اوراسیا فقط پنج سال زمان داشتند

- 
1. Customs union
  2. CU
  3. Qualitatively
  4. Common economic space
  5. Common market

(Eastern Europe Studies Centre, 2012:6). از بیان بخش اخیر در مورد ریشه‌های پیدایش اتحادیه اقتصادی اوراسیا برداشت می‌شود که این مدل یکپارچگی چندمرحله‌ای، ریشه در محرک‌هایی دارد که حاصل نگاه تقابلی با رقبای ژئوپلیتیک این منطقه هستند و دراصل این رقبا در قالب اتحادیه‌هایی همچون اتحادیه اروپا با ابزارهای اقتصادی نقش بازی می‌کنند.

## ۲-۲. ماهیت، اهداف و اولویت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا

### ۲-۲-۱. ماهیت ای‌ای‌یو:

نگاه کشورهای عضو و ناظران بیرونی به ماهیت ای‌ای‌یو می‌تواند متناسب با منظرهایی که هریک از این کشورها برای منافع خود دارند متغیر باشد. کشورهای روسیه، قزاقستان و روسیه سفید در حقیقت اعضای اصلی تشکیل‌دهنده اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند و پیوستن ارمنستان و سپس قرقیزستان به این پازل، رفته‌رفته دورنمای راهبردی این اتحادیه را واضح‌تر می‌سازد. به‌دنبال تشکیل رسمی اتحادیه‌ای اقتصادی اوراسیا در ژانویه ۲۰۱۵ رسانه‌های روسی این رخداد را تحولی بزرگ در اقتصاد دانستند و کوشیدند آن‌ها را یک متغیر مهم در عرصه روابط تجاری معرفی کنند؛ به‌گونه‌ای که خبرگزاری اسپوتنیک تشکیل ای‌ای‌یو را تولد یک غول اقتصادی جدید خواند (Sputnik News, 2<sup>nd</sup> January 2015).

دیدگاه‌های عمدتاً اروپایی و غربی از آن روی که یکپارچگی فضای پسا شوروی را محور آرزوهای می‌دانند که پوتین مدت‌ها است در سر می‌پروراند، تأسیس ای‌ای‌یو را به هدف بازنمایش قله<sup>۱</sup> این تلاش‌ها در جهت گردآوردن همسایگان روسیه تحت رهبری مسکو تعریف می‌کنند. اروپاییان این اتحادیه را بنابر گفته لاوروف عناصری برای ساختن پل میان اروپا و منطقه آسیا - پاسیفیک می‌دانند و معتقدند که این اتحادیه

## 1. Culmination

می‌تواند موجب گسترش گفت‌وگوهای روسیه - غرب فراتر از نهادهای پس از جنگ سرد باشد (Dobbs, 2015: 3).

کمیسیون اقتصادی اوراسیا<sup>۱</sup> در گزارشی که از وضعیت این اتحادیه در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۵ ارائه کرده است، تشکیل اتحادیه را با عنوان یک مجمع اقتصادی یکپارچه گرا با هدف حفظ منافع اقتصادی خود مجمع به شکل عام و کشورهای مشارکت‌کننده به شکل خاص معرفی می‌کند. این گزارش اشاره می‌کند که نشست شورای عالی اقتصادی اوراسیا<sup>۲</sup> در ۲۹ مه ۲۰۱۴ به میزبانی آستانه، معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به امضای اعضا شورا رسانید که این سند تقریباً هزار صفحه‌ای بیشتر بر نظام‌مندسازی معاهدات بین‌المللی در قالب سی‌یو و سی‌ای‌اس تأکید داشت به گونه‌ای که در آن اختلافات<sup>۳</sup> استثنا شده، هنجارهای موجود بهینه‌سازی و بروز شده، شکاف‌ها مرتفع و یک سری تعاریف مشترک گنجانده شدند. معاهده سال ۲۰۱۴ شورای عالی اقتصادی بنابر گزارشی که کمیسیون ای‌ای‌یو ارائه داده، به دنبال گنجاندن هنجارها و قوانین اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مسیری هماهنگ با اهداف و وظایف اتحادیه بود؛ به گونه‌ای که جابه‌جایی کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی کار را تضمین کند و افزون بر آن پایه‌های حقوقی و قراردادی CU و CES را در هماهنگی و انطباق با قوانین و هنجارهای WTO قرار دهد (Eurasian Economic Commission, 2015: 16).

فضای مدرن اوراسیا در راستای فرایندهای جاری جهانی و چندملیتی توانسته شکل فضایی - زمانی<sup>۴</sup> جدیدی کسب کند که در این فضا پویش‌های محلی و جهانی به هم‌زیستی برسند. تحت این شرایط که پس از اتحادیه‌های نوین ایجاد شده، فضای

1. EEU commission
2. Supreme Eurasian Economic Council
3. Discrepancies
4. Spatio-temporal shape

اوراسیایی برای نخستین بار ویژگی‌های خاصی از «منطقه جهانی»<sup>۱</sup> را پیدا کرده است. وجود حوزه‌های مشترک (تاریخی، تمدنی، اقتصادی و غیره) برای شکل‌دهی یک فضای مشترک، تشکیل پی‌درپی مجموعه‌های فراملیتی<sup>۲</sup> بر مبنای معاهده، توجه به ملاحظات چندملیتی<sup>۳</sup> در وسعتی بیشتر نسبت به چارچوب‌های یکپارچگی پیشین، تنها برخی ویژگی‌های «جهان‌گرایی منطقه‌ای»<sup>۴</sup> در پروژه ای‌ای‌یو هستند. بی‌تردید یکی از عوامل شکست یکپارچه‌گرایی‌های پیشین، طبیعت توتالیتیر و دولت‌گرای آن‌ها بوده که با مشخصه نبود جامعه مدنی و ساختارهای تجاری وارد این عرصه می‌گشتند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز دقیقاً به همین دلیل می‌خواهد تا از تمرکز صرف بر ساختارهای دولتی فراتر برود و یکپارچگی را در ارتباط با جامعه مدنی و ساختار کسب‌وکار بنا سازد (Lagutina, 2015:8).

## ۲-۲-۲. اهداف و اولویت‌های ای‌ای‌یو:

مؤسسان اتحادیه اقتصادی اوراسیا تصمیم دارند که از آن، یک سازمان بین‌المللی به هدف یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای بسازند که البته باید «شخصیت حقوقی بین‌المللی» پیدا کند. در حقیقت این سازمان می‌خواهد تا یک عنصر معنادار در معماری و ساختار اقتصادی جهان باشد. معاهده ای‌ای‌یو معین کرده که این اتحادیه باید درون قلمرو خود به اجرای فعالیت‌های بین‌المللی بپردازد و البته این فعالیت‌ها باهدف حل مشکلاتی انجام می‌شود که اتحادیه با آن‌ها مواجه خواهد بود. به‌عنوان بخشی از این فعالیت‌ها، اتحادیه می‌تواند حق مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی با دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و مجموعه‌های یکپارچگی بین‌المللی را داشته باشد و افزون بر آن بتواند به‌صورت مستقل یا مشترک همراه با دولت‌های عضو در حوزه قلمروی خود معاهدات

- 
1. Global region
  2. Supranational
  3. Transnational considerations
  4. Regional globosity

بین‌المللی ببندد (Eurasian Economic Commission, 2015: 17). معاهده ای‌ای‌یو نه فقط اصول کلی برای همکاری گسترده‌تر بین امضاکنندگان خود را تعیین می‌کند، بلکه حوزه‌های دقیقی را که همکاری در آن‌ها رخ می‌دهد نیز مشخص می‌کند. این مسئله از راه تعیین اولویت‌ها و تاریخ‌گذاری برای رسیدن به اهداف صورت می‌پذیرد. با تعیین این زمان‌ها، امضاکنندگان معاهده توافق کرده‌اند تا برای رسیدن به هدف طرح‌شده در اولویت‌ها اقدام به حذف تمام موانع موجود فنی، مدیریتی و هرگونه مانعی کنند که بر سر راه تجارت آزاد قرار بگیرد (Chufrin, 2015:4). مفهوم بازارهای مشترک در شناخت اولویت‌های اتحادیه بسیار مؤثر است. این بازارها، فضاهاى نوینی از یکپارچگی و تعامل بین دولت‌های عضو در اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند (Eurasian Economic Commission, 2015: 16).

معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تعریف اولویت‌های اصلی در زمینه سیاست‌های حمل‌ونقل<sup>۱</sup>، تشکیل و اجرای یک سیاست کشاورزی موردپذیرش همه<sup>۲</sup> و نیز تعریف اهداف بلندمدت و اهداف عملیاتی برای سیاست‌های صنعتی در اتحادیه بر اساس اصول و مکانیسم‌های همکاری صنعتی اقدام کرده و مقرر شده است که توسعه و اجرای سیاست‌ها در زمینه تجارت و مبادله، گمرک و تعرفه‌ها، رقابت در مالکیت عمومی، حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها، توسعه کسب‌وکار، تنظیمات فنی و سایر حوزه‌ها باید منافع مربوط به توسعه صنعتی در کشورهای عضو را در نظر داشته باشد. از آنجا که تصور عملکرد مؤثر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا بدون به‌کارگرفتن سیاست‌های منسجم در زمینه اقتصاد کلان غیرممکن است، این سیاست‌ها که شامل توسعه و اجرای کنش‌های مشترک از سوی دولت‌های عضو در اتحادیه می‌شود، باهدف به‌دست‌آوردن توسعه اقتصادی متوازن<sup>۳</sup> در اتحادیه تنظیم شده است (Eurasian Economic Commission, 2015: 17 & 18).

- 
1. Transport policy
  2. Agreed agricultural policy
  3. Balanced economic development

## ۲ - ۳. کارکردهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از منظر کشورهای راهبر آن

اگرچه کشور ثالثی مانند ایران در صورت تمایل به به کارگرفتن سیاست‌های همکاری جویانه در این چارچوب با مفهوم واحدی به اسم اتحادیه اقتصادی اوراسیا مواجه است که ماهیتی مستقل دارد؛ اما بدون شناخت منافع و دیدگاه‌های هریک از اعضای اتحادیه نمی‌تواند برای خود به‌عنوان کشور ثالث جایگاه مناسبی باز کند.

### ۲ - ۳ - ۱. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از نگاه روسیه

برای روسیه، اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیشتر معنا و ارزشی سیاسی دارد تا اینکه مفهومی اقتصادی داشته باشد و سودهای کلی اقتصادی آن برای روس‌ها هنوز به شکل کامل مشخص نشده است (Roberts, 2014:2). روسیه از مشوق‌های<sup>۱</sup> متعددی برای اقناع همسایگان خود جهت عضویت در ای‌ای‌یو استفاده می‌کند. دولت‌های عضو این اتحادیه همچون روسیه سفید و قرقیزستان واجد شرایط دریافت سوبسید برای قیمت‌های گاز از سوی روسیه می‌شوند (Courtney, 2015: 2). از چنین مشوق‌های پرهزینه می‌توان دریافت که هدف روسیه از تشکیل این اتحادیه نباید ابتدائاً یک هدف اقتصادی باشد. پوتین در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک مجمع فراملیتی قدرتمند است که می‌تواند به یکی از قطب‌ها در جهان مدرن تبدیل شود و به‌عنوان پلی کارآمد بین اروپا و منطقه پویای آسیا - پاسیفیک عمل کند (Financial Times: January 8<sup>th</sup> 2015).

با این هدف روسیه خواستار تشکیل ای‌ای‌یو بوده است که یک بدیل<sup>۲</sup> بسیار مطلوب برای ارتباط با اتحادیه اروپا به وجود بیاید، یک رکن ثانویه<sup>۳</sup> (یک رکن اوراسیایی که بر رکن یورو آتلانتیک افزوده شده باشد) در ساختار امنیت اروپا - فراگیر<sup>۴</sup> پدید آید و

1. Inducements
2. Alternative
3. Second pillar
4. Pan-European security



سرانجام نقش روسیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بی‌رقیب به نمایش درآید. چنانچه این اتحادیه به رهبری روسیه شکل بگیرد و تداوم بیابد، با این احتمال که رهبر دیگری جز روسیه برای آن متصور نیست، رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نمی‌توانند به جایگاه روسیه در اوراسیا خدشه‌ای وارد کنند (Zagorski, 2015: 4). روسیه همچنین با توجه به تجربه اوکراین تمایل دارد تا هر کشور دیگری در منطقه را که بخواهد به‌سوی اتحاد با اروپا حرکت کند، به‌وسیله ابزارهای همین اتحادیه اوراسیایی تنبیه کند. البته اگر دیگر کشورهای عضو مانند روسیه سفید و ارمنستان، بخواهند با ترتیبات ژئوپلیتیک روس‌ها در روابط تجاری خود نسبت به کشورهای غیر عضو اتحادیه هماهنگ و منطبق باشند، بسیار محتمل است که این دولت‌ها خواستار دریافت حقوق و سودهای ویژه‌ای در مقابل وفاداری ژئوپلیتیک<sup>۱</sup> خود درون رژیم اقتصادی مشترک شوند (Dragneva and Wolczuk, 2014: 8). بسیاری از مشکلات مربوط به مهاجرت نیروی کار به روسیه در چارچوب ای‌ای‌یو قابل حل است. چنین راه‌حلی می‌تواند بر جریان مهاجران کار قانونی به روسیه تأثیر بگذارد. (Aleksanyan, 2015: 16).

پس از بحران اوکراین، روسیه بر کالاهای خاصی که از اروپا وارد می‌شود تحریم‌هایی را اعمال کرد و البته متوقع بود که روسیه سفید و قزاقستان نیز پیگیر همان تحریم‌ها باشند. هرچند این کشورها از همراهی با روسیه اجتناب ورزیدند اما مسکو معیارهای دیگری را اتخاذ کرد تا مانع ورود کالاهای اروپایی به بازارهای روسیه گردد. دیمیتری مدودوف در این راستا بیان داشت؛ همه اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید از نظام لیبل زنی خاصی برای کالاهای وارداتی استفاده کنند تا از صادرات مجدد کالاهای مدنظر جلوگیری شود (Boguslavska, 2015: 11). این اتحادیه در چنین موضوع استراتژیکی توانست راهگشای روسیه باشد در صورتی که بدون سازوکار موجود

## 1. Geopolitical loyalty

اتحادیه اقتصادی، روس‌ها مجبور بودند راه پریپچ‌وخمی را برای محدودسازی صادرات دوباره طی کند.

باید توجه داشت، همان‌گونه که روسیه ضمن سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع نفت و گاز کشورهای عضو اتحادیه توانسته سود و سهم مشارکت بیشتری در این صنعت به دست آورد، در صنایع تولیدی نیز همچنان به سودآوری بیشتری دست می‌یابد. حتی پیش از تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا، در سال نخست تشکیل اتحادیه گمرکی روس‌ها توانستند صادرات خود به قزاقستان را تا ۲۵ درصد بالا ببرند و این در ضمن ارتقای گردش مالی روسیه با روسیه سفید تا میزان ۵۰ درصد بود. شایان توجه اینکه افزون بر ارتقای روابط و فعالیت‌ها در حوزه منطقه‌ای، روسیه انتظار دارد که برای اروپا مسیری امن جهت دستیابی به شرق باشد. چون پوتین برنامه‌ریزی کرده تا ای‌ای‌یو را به عنوان پلی میان اتحادیه اروپا و شرق دور برقرار کند. با این گسترش نصف شدن هزینه و زمان در نقل و انتقالات از اروپای غربی به منطقه آسیا - پاسیفیک نصف خواهد شد (Zlatkin, 2015:6). این برنامه‌ریزی در حالی صورت می‌گیرد که گویا روسیه می‌خواهد جاده ابریشم نوینی را منطبق بر خواست‌های اقتصادی خویش طراحی کند.

از منظر امنیتی ای‌ای‌یو یک هم‌پوشانی گسترده با عضویت کشورهای منطقه در سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی دارد که البته بیشتر گرایش به سوی منطقه آسیای مرکزی دارند (Laruelle, 2015:17). در حقیقت روسیه راهبر امنیتی گسترده‌ای در منطقه خود هست؛ اما هنوز نتوانسته به جایگاه یک شریک جدی در حوزه اقتصاد برای متحدین امنیتی خویش برسد. در ضمن مفهوم اوراسیایی روس‌ها در تضاد با مفهوم جهان روسی<sup>۱</sup> آن‌ها است و این تضاد جنبه‌های متعدد دارد. اگر جهان روسی تنها برای تعریف صدای روسیه در جهان بکار رفته است، پس پروژه اتحادیه اوراسیایی بخشی از مفهوم جهان روسی خواهد بود. این بخش متمرکز بر همسایگان روسیه و پیگیر

1. Russian world

راهبردهای اقتصادی مشترک است (Laruelle, 2015:18). بنابراین روس‌ها در حقیقت بین سیاست و اقتصاد با ماهیت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در گذار راهبردی هستند تا سرانجام بتوانند نقش محوری خود را در این اتحادیه بازی کنند.

### ۲-۳-۲. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از نگاه قزاقستان

مهم‌ترین مسئله‌ای که قزاقستان را در مورد ای‌ای‌یو به خود مشغول کرده است، لزوم تمرکز صرف این اتحادیه بر ابعاد اقتصادی است (Jones, 2014:8). قزاقستان به‌عنوان یک عضو مؤثر می‌کوشد تا ضریب اقتصادی شدن ای‌ای‌یو را بالاتر ببرد. قزاقستان منافع بسیار مهمی در همکاری اقتصادی منطقه‌ای و همچنین حمل‌ونقل بدون محدودیت<sup>۱</sup> در قاره اوراسیا دارد. بانک توسعه اوراسیایی ای‌ای‌یو که در آلمانی است منبعی برای سرمایه‌گذاری باهدف تسریع رشد اقتصادی و تجارت درون اتحادیه‌ای<sup>۲</sup> به‌شمار می‌رود و یک صندوق برای پروژه‌های یکپارچه‌سازی اوراسیایی محسوب می‌شود (Courtney, 2015: 2).

تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا، می‌تواند اهدافی را برای آستاده داشته باشد:

- دسترسی موفق اقتصاد قزاقستان به بازارهای ای‌ای‌یو با جمعیتی ۱۷۰ میلیون نفره؛
- به تحرک درآوردن تجارت مرزی<sup>۳</sup> با روسیه؛
- توانمندی شرکت‌های قزاق برای دسترسی به بازارها باهدف بستن قراردادهای دولتی در روسیه و روسیه سفید؛
- تشکیل مسیرهای حمل‌ونقل و راه‌های لجستیک نه فقط در بعد منطقه‌ای بلکه در ابعاد جهانی؛
- ساخت یک فضای یکدست<sup>۴</sup> برای نقل‌وانتقال آزاد سرمایه، خدمات و نیروی کار؛

1. Unfettered transportation
2. Inter-Union trade
3. Cross-border trade
4. Uniform area

- شکل دهی به یک بازار مالی واحد تا پیش از سال ۲۰۲۵؛

- تضمین دسترسی به زیرساخت‌های انرژی، افزون بر دسترسی به سیستم‌های انتقال گاز، نفت و محصولات نفتی تا سال ۲۰۲۵ بر اساس بازار واحد نفت و گاز (Satpayev, 2015: 12 & 13).

مسئله انتقال نفت برای این کشور بسیار اهمیت دارد و البته مسیر انتقال نفت قزاقستان از قلمرو روسیه می‌گذرد. از سویی قزاقستان بنابر راهبرد ملی نوین خود باید در سال ۲۰۲۵ به لیست سی کشور بسیار توسعه یافته اضافه شود؛ بنابراین قزاقستان به دنبال تنوع بخشی صادرات خود به اروپا است و در نتیجه به دلیل پروژه «غرب چین - غرب اروپا»<sup>۱</sup> که سرانجام به روسیه و روسیه سفید می‌رسد، این کشور به شدت به روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیازمند است (Mukhamediyev and Khitakhunov, 2015 : 7).

عضویت قزاقستان در یک اتحادیه مشترک می‌تواند سبب بسته شدن مسیرهای همکاری مستقل این کشور با شرکای بیرون از این اتحادیه باشد که این شرکا ممکن است با منافع و راهبردهای دیگر اعضا در نقطه تضاد قرار بگیرند. واضح ترین نمونه این تناقض مسئله روابط قزاقستان با اوکراین است (Dobbs, 2015: 5)؛ بنابراین قزاقستان در موقعیت‌های متعددی باید بین وفادار ماندن به اتحادیه‌ای که خود را پدر آن می‌داند و منافی که حیات اقتصادی خود را وابسته به آن‌ها می‌بیند به مدیریت پردازد. قزاقستان تنها کشوری در حوزه ای‌ای‌یو است که بحث‌های بسیار مهمی بین موافقان و مخالفان یکپارچگی با روسیه در آن جریان دارد. اقتصاددانان بدبین نیز معتقدند که مدل بهینه برای سیاست خارجی قزاقستان، ائتلاف اقتصادی با دولت‌های منفرد نیست بلکه به جای آن باید به همکاری با دولت‌های مختلف در جهت‌های متفاوت اقدام کند که در مفهوم مشارکت دور قابل طرح است (Satpayev, 2015: 13).

## ۲ - ۳ - ۳. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از نگاه روسیه سفید

روسیه سفید نیز مانند قزاقستان در این فرایند یکپارچگی بر نادرست بودن سیاسی سازی ای ای یو پا فشاری می کند. در همین راستا، روسیه سفید هم پیشنهاد روسیه مبنی بر تشکیل پارلمان اوراسیایی را رد کرد. از سوی دیگر با تشکیل ای ای یو بازارهای روسیه می تواند به دست رقیبان روسیه سفید بیافتد و این فشار اقتصادی منجر به ورشکستگی شرکت های روسیه سفید شود. این اتفاق می تواند فشارهای سیاسی داخل روسیه سفید را برای تجدیدنظر در مورد عضویت در ای ای یو برانگیزد یا در نهایت به درخواست این کشور از روسیه برای جبران مالی این فرایند بیانجامد. اگر این وضعیت رخ دهد، نفوذ بیشتر شرکت های دولتی روس در اقتصاد روسیه سفید تسهیل خواهد شد (Eastern Europe Studies Centre, 2012:14). این نفوذ می تواند عامل وابستگی بیشتر روسیه سفید به روسیه باشد و در نهایت استقلال این کشور را تضعیف کند. در نتیجه همین رابطه وابستگی متقابل سبب شده است تا تحلیلگران روسیه سفید معتقد باشند که «آرزوی اوراسیایی پوتین جنگ را به اروپا و بحران اقتصادی را به روسیه سفید کشانده که هر دو شرکای مهم تجاری روسیه هستند» (Astapenia, 2015:2).

افزون بر آن اقتصادهای قزاقستان و روسیه از منظر بین المللی به عنوان اقتصادهای بازار آزاد شناخته می شوند اما اقتصاد روسیه سفید هنوز یک اقتصاد دولتی است. از سوی دیگر اقتصاد روسیه سفید وارث یک سیستم صنعتی توسعه یافته است که از دوران اتحاد شوروی برجای مانده در حالی که اقتصادهای روس و قزاق بیشتر ماهیتی مبتنی بر صدور مواد خام دارند (Sivickiy, 2015, 17). در حقیقت روسیه مقامات سفید از خود می پرسند، ضمن داشتن روابط با روسیه به عنوان کشوری که ۴۵ درصد صادراتشان به بازارهای آن و ۵۰ درصد وارداتشان نیز از آن کشور است، آیا می توانند تمامی مشکلات اقتصادی خود را در قالب محدودسازی روابط اقتصادی و اتکا صرف به روسیه و اتحادیه اوراسیا حل کنند؟ (Dobbs, 2015: 5). بحران اوکراین و تهدید

اقتصاد روسیه در مواردی همچون سقوط روبل که منجر به بحران در اقتصاد روسیه سفید نیز شد، پاسخ این سؤال را نزد مقامات روسیه سفید با تردیدهای منفی مواجه ساخته است.

### ۳. تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران

پس از انحلال اتحاد شوروی الزامات ژئوپلیتیک ایران در منطقه شمالی آن به میزان قابل توجهی کاهش یافت. حال پس از قدرت گیری روسیه در صحنه معادلات بین‌المللی به‌ویژه با وقوع مسئله اوکراین، نقش روسیه در راهبری منطقه خارج نزدیک خود رو به افزایش است. از سویی ایران با روسیه - به‌عنوان محور حرکت‌های راهبردی در اوراسیا - و نیز سایر کشورهای این منطقه روابط حیاتی برقرار ساخته است و در برخی مناطق همچون ارمنستان نوعی منافع ژئوپلیتیک مستقیم نیز دارد و از سوی دیگر، رقابت‌های راهبردی روسیه با بازیگران بزرگ دنیا شب شده است تا این کشور از راه محاسبه متغیرهای امنیتی و جریان مبادلات انرژی دست به تشکیل اتحادیه اوراسیا بزند با این هدف که تا جای ممکن این منطقه را به سمت ضریب بالاتری از اتحاد سوق دهد. هر درجه که این اتحاد بالاتر می‌رود، رقابت‌های راهبردی در مورد این منطقه نیز مهم‌تر می‌شود. از آنجاکه مناطق آسیای مرکزی و قفقاز ادامه مناطق ژئواستراتژیکی همچون خاورمیانه هستند، بااهمیت‌تر شدن این منطقه در منازعات رقابتی می‌تواند کشورهای خاورمیانه‌ای هم‌جوار را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد. وقوع چین در کنار این منطقه و تأثیر عمیق چین در سازمان همکاری شانگهای، مسئله راه‌های ابریشم پیشنهادی، نگاه اروپا به مسیر عبور تا قلب مشرق زمین و اهمیت آسیا - پاسیفیک برای امنیت ملی آمریکایی‌ها بر ضرورت حضور و تعامل‌های چندجانبه در این منطقه بر اهمیت آن در مسیر اهداف ژئوپلیتیک ایران می‌افزایند. در کنار تمامی این موارد، ارتباطات تجاری و اقتصادی ایران در منطقه اوراسیا و اشتراکات انرژی پایه با اقتصاد

روسیه سبب می‌شود که جمهوری اسلامی الزامات اقتصادی بیشتری در جغرافیای اوراسیا داشته باشد.

### ۳-۱. منطق ژئواکونومیک جاری در تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا

بنابر نظریه ژئواکونومی، جهت‌گیری‌های خاص اقتصادی موجود در بین واحدهای سیاسی سبب شده است تا منطق تعارض این زمان با تجارت در عرصه رقابتی جاری باشد. ویژگی‌های موجود در اهداف اقتصادی ای‌ای‌یو نشان از ماهیت عمیقاً ژئوپلیتیک با ویژگی‌های تعارض‌آمیز دارد. در حقیقت ایران با یک منطقه تجاری مواجه خواهد بود که افزون بر حفظ استقلال سیاسی واحدهای عضو یکپارچگی در حال پیشرفتی از نظر اقتصادی و تجاری دارد و انسجام بیشتری نیز کسب خواهد کرد. هنگامی که این یکپارچگی شکل می‌گیرد، بنا به ماهیت رقابتی بین واحدها و مناطق سیاسی، منطق تعارض بر این ساختار یکپارچه اقتصادی نیز سایه می‌افکند. در نتیجه کشور ثالثی همچون ایران از این پس نه با واحدهای سیاسی مواجه خواهد بود که تمایل به همکاری اقتصادی مشترک دارند و یا بخش‌های خصوصی خود را برای این تعاملات با ایران مهیا می‌سازند، بلکه با یک بدنه منسجم اقتصادی - تجاری روبرو خواهد شد که برای حفظ الزامات اتحادیه اشتراکات درونی بسیاری دارد.

در حقیقت منطق حاکم بر جهت‌گیری‌های روسیه در تشکیل اتحادیه اوراسیا نشان بیشتری از استقرار منطق تعارض بر ساختار این یکپارچگی دارد. در کنار این جهت‌گیری‌ها، سایر اعضای اتحادیه نیز به منطق تعارض در قالب ساختار تجاری پایبندی نشان داده‌اند. دلیل این مسئله نیز اصرار بر جلوگیری از ورود ساختار اتحادیه اقتصادی به هویت‌های سیاسی است. از سوی دیگر نگاه کشورهای عضو اتحادیه به منافع ملی خود در عرصه اقتصاد به‌ویژه قزاقستان و سپس روسیه سفید در نسبتی کمتر نشانه حاکم بودن منطق تعارض بر روند تجاری این اتحادیه اقتصادی است.

### ۳-۲. الزامات ژئواکونومیک ایران در قبال ای‌ای‌یو با توجه به محدودیت‌های

#### استراتژیک

از آنجاکه پیشنهاد اولیه تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا در راستای کنش اقتصادی متحد بین کشورهای اتحاد شوروی بوده است، هرگونه حرکت این اتحادیه به سوی یکپارچگی سیاسی به ضرر ایران خواهد بود. در این مورد ایران را باید با اروپا و شاید با چین هم‌نظر و از یک موضع استراتژیک دانست. بنابراین نباید کنش اقتصادی ایران در قبال ای‌ای‌یو نیز به شکلی صورت گیرد که مشوق یکپارچگی سیاسی به صورتی نزدیک به ساختار پیش از جنگ سرد باشد. در حقیقت هرگونه ارتباط اقتصادی و تجاری دولت و بخش خصوصی ایران با ای‌ای‌یو باید ضمن شناخت الزامات و اهداف این اتحادیه در حد امکان با حفظ ماهیت مجزای دولت‌های عضو صورت گیرد و درکنش‌های ژئواکونومیک با این اتحادیه بر ماهیت مستقل واحدها تأکید شود. چنان‌که ایران به‌عنوان بخشی از پازل بین‌المللی برای حرکت به سوی احیای دوباره اتحاد شوروی - در هر میزان که مقصود روس‌ها است - عمل کند، بازیگران بزرگ بین‌المللی را بیشتر به سیاست محدودسازی ایران تشویق می‌کند.

روس‌ها اهداف ژئوپلیتیک خود را از راه ابزارهای اقتصادی دنبال می‌کنند؛ بنابراین هر قدر نقش اوراسیا در محاسبات امنیت اروپایی به‌عنوان رکن ثانویه افزایش پیدا کند و بیشتر هم‌تراز رکن یوروآتلانتیک شود، محاسبات اروپاییان هم بیشتر به سمت روسیه و اوراسیا میل خواهد کرد و البته این امر برای تعامل ایران با اروپاییان پیامدهای متعددی خواهد داشت. ایران در دوران پس از توافق هسته‌ای که می‌خواهد از تعاملات تجاری و سرمایه‌گذاری اروپا بهره ببرد، هرچه متغیرهای کمتری پیش‌رو داشته باشد، موفق عمل خواهد کرد. از این‌رو الزامی است که ایران ضمن توجه به روابط خود با اروپا از هم‌اکنون بازی اوراسیایی خود را در زمینه‌های اقتصادی شکل بخشد تا در آینده مجبور به درگیری و تعارض با ای‌ای‌یو نباشد. از سوی دیگر ماهیتاً تشکیل ای‌ای‌یو برای



رقابت با حریفان منطقه‌ای به‌ویژه اتحادیه اروپا صورت پذیرفته است و طبیعتاً گسترش رابطه با ای‌ای‌یو سبب تشدید رقابت با ای‌یو خواهد شد. در نتیجه میزان و نوع همکاری ایران با اوراسیا باید در برداری غیرمجهت با همکاری‌های اقتصادی ایران و اروپا باشد. از آن روی که ماهیت صنعتی اروپا مزیت رقابتی این مجموعه است درحالی‌که مزیت‌های ترانزیتی و صادرات انرژی به اوراسیا ارزش اقتصادی بخشیده است، تألیف بردارهای ناهم‌جهت در این راستا ممکن به‌نظر می‌رسند.

با توجه به اینکه چین یک مشتری مهم برای نفت ایران است و اقتصاد آینده این کشور نقش مهمی در جهان ایفا خواهد کرد، توجه به مفهوم اوراسیا به‌عنوان پل ارتباطی بین اروپا و آسیا - پاسیفیک بسیار ضروری است. ایران باید در این پل ارتباطی حضور داشته باشد و با پررنگ‌ساختن روابط اقتصادی خود در این مسیر، استراتژی آمریکا برای مهار چین را به متغیر روابط تجاری و اقتصادی خود مقید کند. از سویی زیرساخت‌های انرژی ایران، می‌تواند بستر مناسبی برای انتقال انرژی اوراسیا به آب‌های آزاد باشد.

### ۳-۳. الزامات تجاری و اقتصادی ایران در همکاری با ای‌ای‌یو

ایران ملزم است تا برای گسترش برنامه‌های همکاری‌جویانه با اقتصاد اوراسیا، به‌سوی هماهنگ‌سازی ساختارهای اقتصادی خود با مدل‌های اقتصادی رایج در دنیا بپردازد. نخستین مسئله که در تحولات ژئوآکونومیک دنیا مدنظر قرار می‌گیرد، مفهوم بخش خصوصی فعال در بدنه حرکت‌های اقتصادی دولت‌ها است. بخش خصوصی هماهنگ با خواست‌های رقابت‌جویانه دولت، می‌تواند آستانه ورود ایران به همکاری‌های اقتصادی با ای‌ای‌یو را هموارتر سازد. این بخش خصوصی البته امکان‌سنجی کالاها و عرصه‌های ورود خویش را باید براساس درک درست از منطقی تعارض حاکم بر تحولات ژئوآکونومیک اوراسیا تنظیم کند. در غیر این صورت هم بخش خصوصی هم‌جهت‌گیری‌های ژئوآکونومیک ایران دچار شکست خواهند شد.

جمهوری اسلامی البته نباید بپندارد که با تقویت بخش خصوصی نمی‌تواند تا جهت‌گیری‌های ژئوپلیتیک خود را در منطقه اوراسیا به پیش ببرد؛ زیرا معمولاً منطق بخش خصوصی متکی نبودن به دولت‌ها است. شناخت دقیق از میزان پذیرش شرکت‌های خصوصی ایرانی در منطقه اوراسیا، سبب می‌شود تا میزان حمایت‌های دولت از بخش خصوصی نیز تعریف شود. به عبارت دیگر، به همان سطح که شرکت‌های رقیب بخش خصوصی ایران از یارانه دولت‌های متبوع خود بهره می‌برند، شرکت‌های ایرانی هم باید مورد حمایت‌های دولت خویش باشند. این اتفاق ممکن است از سوی دیگر یعنی از سوی شرکت‌های خصوصی اوراسیایی هم رخ دهد. این بخش‌های خصوصی ابزارهای ژئواکونومیک دولت‌های منطقه اوراسیا هستند. این ابزارها مشابه ابزارهای ژئواکونومیک هر واحد سیاسی دیگر، می‌توانند اهداف ژئوپلیتیک دولت‌ها در قالب رفتارهای اقتصادی را دنبال کنند. تعقیب این اهداف با ابزار واحدهای اقتصادی باید مورد مطالعه همواره دولت و نهادهای اقتصادی قرار داشته باشد.

یکی از ابزارهای مهم ایران در این زمینه برخورداری از زیرساخت‌های تولید انرژی در کشور است. در صورتی که ایران نتواند زیرساخت‌های تولید نفت و گاز را بروز سازی کند و از پهنه گسترده سیستم انتقال انرژی در کشور بهره‌برداری نوین کند، یکی از ابزارهای رقابتی خود در عرصه ژئواکونومیک را از دست داده است. در صورت ارتقای این سیستم می‌توانیم برای جذب همکاری‌های اقتصادی در حوزه انتقال و پالایش انرژی یک مزیت رقابتی به دست آوریم. از آن روی که قزاقستان به عنوان تولیدکننده انرژی با مقام دوم در اوراسیا، به تعقیب هدف نوسازی زیرساخت‌های انرژی در این منطقه می‌پردازد؛ بنابراین ایران می‌تواند در موقعیتی هم‌جوار یک بدیل کم‌هزینه‌تر برای تبادلات اقتصادی در زمینه انرژی منطقه اوراسیا باشد. این مشارکت ایران در زمینه انتقال انرژی زمینه کاهش هزینه‌های روسیه در همین موضوع نیز خواهد بود. اگرچه گازپروم کنترل بخش اعظم انرژی را در این منطقه به دست دارد؛ اما

مشارکت ایران در انتقال انرژی پس از اتمام مرزهای اوراسیا می‌تواند تسهیل‌کننده سیاست‌های چندبرداری کشورهای عضو ای‌ای‌یو در موضوع انرژی باشد.

توافقی‌هایی که اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر سر موضوعات حمل‌ونقل کرده نیز شبیه موضوعات انرژی است. فضای مشترک حمل‌ونقلی مدنظر این اتحادیه یکراه ابریشم منسجم است که می‌تواند میزان موفقیت خود را در آینده نشان دهد. فضای مشترک حمل‌ونقل در کنار سیاست‌های کشاورزی و همچنین صنعتی گسترده در این اتحادیه، نشان از الزام ایران به همکاری‌های فعال با اعضای ای‌ای‌یو باهدف تأثیر بر شکل‌گیری این فضاها اشتراکی دارد. در صورتی که ایران نتواند به کمیسیون‌های مربوطه (به‌عنوان شکل‌دهندگان بازارهای مشترک) وارد شده و دیپلماسی اقتصادی مؤثری را پیش بگیرد، قطعاً مسیر ترانزیت مؤثر و تعاملات مشترک کشاورزی و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و بازاریابی‌های صحیح را در منطقه اوراسیا از دست خواهد داد. چون روسیه سفید یک کشور با ساختارهای صنعتی و البته نیازمند انرژی است، به‌عنوان یک متحد خوب جمهوری اسلامی می‌تواند مسیر ترانزیت ایران را برای صادرات قلب صنعتی خود انتخاب کند تا از این راه ایران به یک ابزار رقابتی از نوع تجاری دست یابد و بتواند قلب صنعتی اوراسیا را به شاه‌رگ‌های صادراتی خویش متصل کند. اگر ایران به راه‌های ابریشم مختلف نیز معتقد باشد بهتر است به مسیر ابریشم طراحی شده توسط متحدان روس خود بیاندیشد و این راه را به آسانی از دست ندهد. حضور ایران در مسیر ابریشم اتحادیه اوراسیا می‌تواند توان حرکتی در پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی را با کمک ابزارهای اقتصادی افزایش دهد.

آنچه وضعیت کشور ثالثی مانند ایران را در اوراسیا دقیق‌تر می‌کند، مفهوم بازارهای مشترک و رژیم‌های تنظیم‌کننده مقررات برای این بازارها است. چنانچه ایران بخواهد کالاهای صادراتی خود را به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا عرضه بدارد، با مسئله بازارهای مشترک مواجه است که برای هر کالا تعریف شده و اهداف زمانی مشخصی را

نیز برای آن‌ها تعیین کرده‌اند. اگرچه اصل عدالت یکسان برای جلوگیری از رخدادهایی همچون دامپینگ در رأس برنامه‌های ای‌ای‌یو قرار دارد؛ اما ایران به‌عنوان اقتصادی که جهت‌گیری بازار آزاد را انتخاب کرده می‌تواند بازارهای مشترک اوراسیا را بشناسد و طی یک دیپلماسی اقتصادی جهت حضور و عرضه کالاهای ایرانی در این بازارها نقش متناسبی بازی کند. این دیپلماسی اقتصادی باید هدف‌گیری خود را مبتنی بر تعامل با کمیسیون‌های اتحادیه قرار دهد تا بتواند بر وضع قوانین اتحادیه که مدل بازارهای مشترک را شکل می‌دهند تأثیر بگذارد.

مسئله بسیار مهم در کلیت تعاملات ژئواکونومیک با این اتحادیه‌ها یا هر اتحادیه اقتصادی دیگر، مسئله قوانین گمرکی و یکسان‌سازی سطوح تعرفه‌ای بین اعضای اتحادیه‌های اقتصادی است. از آن روی که یکی از گام‌های مهم تشکیل ای‌ای‌یو توجه به اصل اتحادیه گمرکی اوراسیا بود، لزوم تنظیم قوانین گمرکی و محاسبه ضریب هزینه‌ها و منافع رعایت این قوانین مسئله‌ای بسیار ضروری است. در صورتی که تعرفه‌های گمرکی ما بالاتر از حد متناسب با تعرفه ای‌ای‌یو باشد شکل‌گیری تعاملات ژئواکونومیک با شکست مواجه می‌شود و اگر از حد متناسب پایین‌تر باشد در نهایت ابزارهای برتری اقتصادی را به‌دست رقیب بخشیده‌ایم. کار با قوانین گمرکی این اتحادیه می‌تواند ایران را به درخواست تعیین سطوح گمرکی مطلوب خود از رقبای اروپایی نیز سوق دهد.

### نتیجه‌گیری

براساس مدل‌های نوین تحلیل راهبردی و امنیتی، رقابت موجود بین قدرت‌های اوراسیایی و دیگر بازیگران اصلی بین‌المللی و منطقه‌ای همچنان ماهیت سنتی خود را در قالب رقابت‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک حفظ کرده است. روسیه به‌عنوان سردمدار و مشهورترین واحد سیاسی در این اتحادیه همچنان اصالت خود را به‌عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک حفظ می‌کند. قزاقستان در عین اطمینان از موقعیت ژئواستراتژیک خود

می‌کوشد تا مدل‌های برنامه‌ریزی توسعه را به‌خوبی پیاده کند و استقلال خود را در عین ارتباطات چندبرداری با متحدان مختلف حفظ کند. روسیه سفید در کنار روابط مستحکم خود با مسکو می‌کوشد تا قدرت صنعتی را به‌عنوان سرلوحه هویت دولتی خویش نگاه دارد. سایر واحدهای موجود در حوزه اوراسیا البته با مجموعه‌ای از بیم‌ها و امیدها به اتحادیه اقتصادی می‌پیوندند و اروپاییان به این مجموعه با هویتی دوگانه به‌عنوان پل ارتباطی و ابزاری در دست رقیبان اوراسیایی نگاه می‌کنند. چین با یک نگاه همکاری‌گرایانه - رقابت‌جویانه در موازات فرایند شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی حرکت می‌کند و منافع اقتصادی خود را که راهبرد اصلی افزایش قدرت این کشور است پیگیری می‌کند.

فرایند تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نگاه کشورهای راهبر این مجموعه از شکل‌گیری ابزاری نوین در سلسله رقابت‌های ژئوپلیتیک حکایت دارد که بین یک منطقه جغرافیایی مهم و رقبای ژئوپلیتیک دیرین جاری هستند. این ابزار از هویت‌های نظامی بسیار دور است و ماهیتی اقتصادی دارد. در این فرایند، راهبردهای دولتی براساس مدل‌های اقتصادی تدوین شده تا اقتصادهای اوراسیایی و شرکت‌های ملی و بخش‌های خصوصی این دولت‌ها بتوانند سهم بیشتری از بازارهای هدف را کسب کنند، به فناوری‌های خاص دست‌یابند و به سطح اشتغال کامل نزدیک شوند. رسیدن به این اهداف می‌تواند عنصر قدرت را در عصر فروکش کردن تقابلات نظامی در خدمت کشورهای منطقه اوراسیا قرار دهد. این رقابت‌های پیچیده در مجاورت مرزهای شمالی ایران رخ می‌دهند که از منظر روابط راهبردی و ارتباطات اقتصادی همواره یکی از مناطق پر ارتباط با ایران بوده است. بنابر سنت‌های پایدار رقابت ژئوپلیتیک و قوانین نوین رقابت اقتصادی، ایران از تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا تأثیر پذیرفته و باید به الزامات اقتصادی جدید پس از تشکیل آن به چشم قواعد ژئواکونومیک بنگرد. این الزامات در صورتی که مورد توجه قرار نگیرند، در منطقه اوراسیا از ایران یک بازیگر تبعی

خواهند ساخت که در آن صورت، باید فرایند حضور اقتصادی ایران در این منطقه را تضعیف شده توصیف کرد. الزامات ژئوپلیتیک ایران با ابزارهای اقتصادی در منطقه اوراسیا باید با توجه به منطق ژئواکونومیک جاری، محدودیت‌های استراتژیک و درنهایت الزامات و محدودیت‌های اقتصادی و تجاری ایران تدوین شود.

Archive of SID

**منابع:**

- یزدانی، عنایت‌الله و مجتبی تویسرکانی و لیلا جعفری (۱۳۸۸)، *تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی*، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۲.
- بروجردی، علاءالدین و سلمان انصاری زاده، مهرداد کرمی (۱۳۹۰)، «ژئواکونومی دریای خزر و تأثیر آن بر تأمین امنیت انرژی در اتحادیه اروپا»، راهبرد، شماره ۶۰.
- Aleksanyan Ashot, (2015), *Labor Migration of Armenians into Russia: Problems and Prospects*, Мир России. 2015. № 2
- Astapenia Ryhor, (2015 January), *Belarus and the Eurasian Economic Union: the view from Minsk*, European Council on Foreign Relation
- Boguslavska Kateryna, (2015 July), *The First Steps of the Eurasian Economic Union: Disputes, Initiatives and Results*, Russian Analytical Digest, No.170
- Chan Mignonne Man jung, (2011), *Geo-Economic Challenges for the Asia-Pacific Region in the Post-Crisis Governance and Taiwan's Roles in the Region*, Asia Pacific Security Forum
- Chufrin Gennady, (2015 July), *Eurasian Economic Union: Undergoing a Durability Test*, Russian Analytical digest No.170
- Clingendael, Netherlands Institute of International Relations, (2015 March), *Expert Seminar: Eastern Partnership countries between the EU and the Eurasian Economic Union: Prospects for trade relations and economic reforms*
- Courtney William, (2015 February), *Remarks on the Eurasian Economic union*, Central Asia economic papers No.12, the George Washington University
- Dobbs Joseph, (2015 March), *The Eurasian Economic Union: A bridge to nowhere?*, European Leadership Network
- Dragneva Rika and Wolczuk Kataryna, (2014), *Eurasian Economic Integration: Institutions, Promises and Fault lines*, the London School of Economics and Political Science

Eastern Europe Studies Centre, (2012), *Eurasian Union: a Challenge for the European Union and Eastern Partnership Countries*, Public Institution Eastern Europe Studies Centre

Eurasian Economic Commission, (2015 first 6 month), *Eurasian Economic Integration: Facts and Figures*, Press Office of the Eurasian Economic Commission

Financial Times, (2015 January 8<sup>th</sup>), *Russia: Dangers of Isolation*,

<http://www.ft.com/cms/s/0/657967da-9725-11e4-845a-00144feabdc0.html>,

Jones Barry, (2001), *Routledge Encyclopedia of international political economy*, Routledge, London and New York

Jones William, (2014 June), *Russia, Kazakhstan, Belarus Create Eurasian Economic Union*, Treaty on Historic Milestone

Lagutina Maria, (2015 July), *Eurasian Economic Foundation: Issues of Global Regionalization*, Eurasia Border Review

Laruelle Marlene, (2015 May), *The Russian World, Russia's Soft Power and Geopolitical Imagination*, CGI center on Global Interests

Luttwak Edward N., (1990), *From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce*, The national interest

Mukhamediyev Bulat and Khitakhunov Azimzhan, (2015 spring), *European Union and Eurasian Economic union trade relations and their impact on Kazakhstan*, The Macro theme Review.

Ozdemir Mehmet, (2015 April), *Perceiving to become a "strategic partner" on Asian regional integration: Being/not Being a Member of Eurasian Union*, International Conference on Business, Economics and Management, Phuket(Thailand)

Roberts Sean, (2014 September), *The Eurasian Economic Union: Breaking the pattern of post-Soviet integration?*, Finnish Institute of International Affairs,



Satpayev Dossym, (2015 February), *Kazakhstan: Economic Integration Without Relinquishing Sovereignty*, Friedrich-Ebert-Stiftung, Division for International Dialogue Berlin Germany

Sivickiy Arseniy, (2015 February), *Belarus: Muted Integration Euphoria*, Friedrich-Ebert-Stiftung, Division for International Dialogue Berlin Germany

Sparke Matthew, (2007), *Geopolitical Fears, Geo-economics Hopes and the responsibilities of Geography*, University of Washington

Tuathail Gearóid Ó, Dalby Simon and Routledge Paul, (2003), *The Geopolitics Reader*, Routledge London and Newyork

Zagorski Andrey, (2015 February), *Caught Between the Economy and Geopolitics*, Friedrich-Ebert-Stiftung, Division for International Dialogue Berlin Germany

Zlatkin Ilya, (2015), *A Sovereign Surge, Not a Soviet Resurgence: The Mutualism of Eurasian Reintegration*, Vestnik, The Journal of Russian and Asian Studies